

گزارش

گفت‌وگو با وحید آقاپور بازیگر نقش جمشید نظمی در سریال عاشورا

سریال «عاشورا» ادای دین به رشادتهای لشکر ۳۱ عاشورا



سریال عاشورا و فیلم سینمایی موقعیت مهدی که از دل آن درآمده است در لوکیشن و مکان‌های متعددی فیلمبرداری شده از شهرک سینمایی دفاع مقدس و بیابانهای اطراف قم گرفته تا آبادان در استان خوزستان. از نظر زمانی نیز در یک پروسه دو ساله ناپویسته فیلمبرداری این پروژه انجام شد.

*** آیا برای بازی در این فیلم در رابطه با شخصیتی که بازی می‌کردی تحقیق کردید؟**

برای بازی در نقش جمشید نظمی من کتابی را تهیه کردم و در آن شرحی از عملیات خیبر و عملیات بدر توصیفاتی از رشادتها و دلآوری‌های جمشید نظمی را خواندم و تا حدودی با این شخصیت آشنا شدم . همچنین آقای حاجزای‌فر توصیفاتى از شخصیت ایشان داشتند این‌ها منجموع به من کمک کرد تا بتوانم درک بهتری از نقشم داشته باشم. این را نیز باید بگویم که آقای جمشید نظمی از شخصیت‌های زنده فیلم هستند. آقای جمشید

نظمی از شخصیت‌های تاثیرگذار لشکر عاشورا بودند. ایشان فردی خیلی فعال با آمادگی بدنی بالایی بودند که کارهای تهوآمیز انجام می‌دادند و هم‌زمانشان در مجموع از ایشان تصویر پررنگ و فعالی در ذهنشان دارند و به همین دلیل مورد توجه نویسندگان فیلمنامه قرار گرفت.

*** آیا خاطره‌ای از زمان تولید این پروژه دارید؟**

بیشتر خاطرات من مربوط به فصل‌های گرما یا سرما می‌شود مثلا در یک فصل گرم یادم است ما در هورالعظیم خوزستان بودیم و تا آن زمان اینقدر گرمای هوا را تجربه نکرده بودم. بعضی از اعضای گروه ما نیز در اثر شدت گرما بی حال شدند. ما در اواخر اردیبهشت یادگیرهای عایق و ایزوله و لباس زمستانی پوشیده بودیم ولی باید زیر آفتاب خوزستان کار می‌کردیم و این کار خیلی سخت بود. خاطره من از فصل سرما هم باید بگویم که باز هم زمانی در یکی از بیابانهای خوزستان کار می‌کردیم و وقتی باران می‌بارید چنان زمین گل آلود می‌شد که ما تا چند روز باید کار را متوقف

گفت‌وگو از میترا یزدچی ▲
سریال عاشورا به نویسندگی و کارگردانی هادی حجازی‌فر، مدتی است که جمعه شب‌ها میهمان قاب شبکه یک سیما شده است. این سریال که بعدها از دل آن فیلم سینمایی موقعیت مهدی نیز درآمد به نوعی به زندگی برادران شهید مهدی و حمید باکری می‌پردازد. «موقعیت مهدی» در چهلمین جشنواره فیلم فجر برنده پنج جایزه، از جمله سیمرغ بلورین بهترین فیلم شد و توانست در اکران عمومی عنوان پرفروش‌ترین فیلم دفاع مقدس تاریخ سینمای ایران را از آن خود کند. این اثر مورد تمجید رهبر انقلاب نیز قرار گرفت. فیلم سینمایی «موقعیت مهدی» امسال نیز به همت اداره کل تأمین و رسانه بین‌الملل سیما در بیست‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم «هنر پلیس» که اول‌تسا هفتم آن‌بان در ایتالیا برگزار می‌شود، به نمایش در می‌آید. یکی از شخصیت‌های این فیلم و نزدیک به این شهیدان مهدی و حمید باکری ، جمشید نظمی از فرماندهان لشکر عاشورا است که نقش آن را وحید آقاپور بازی کرده است. با او درباره سریال و فیلم سینمایی موقعیت مهدی به گفت‌وگو نشستیم.
* * *

*** چه شد که برای بازی در فیلم سینمایی موقعیت مهدی انتخاب شدید؟**

برای بازی در این فیلم سینمایی دنبال بازیگرهایی بودند که به زبان ترکی آذربایجانی مسلط باشند تا حدودی از نظر چهره به شخصیت‌های حاضر در لشکر عاشورا شباهت داشته باشند. بر همین اساس با من نیز تماس گرفته شد. من از قبل آقای حجازی فر ، کارگردان را می‌شناختم. ایشان از دوستان قدیمی من در دانشکده هنرهای زیبا بودند و ما با هم کار کرده بودیم.

من ابتدا در این فیلم سینمایی برای نقش دیگری انتخاب شده بودم اما وقتی آنجا رفتم آقای شهرام خلیج طراح کریم پروژه ایشان مرا برای نقشی به غیر از نقشی که برای من پیش بینی شده به کارگردان پیشنهاد داد. در نهایت آقای حجازی فر بر اساس اجزای چهره من را برای بازی در شخصیت جمشید نظمی یکی از فرماندهان لشکر عاشورا انتخاب کردند.

*** محلل تولید این فیلم سینمایی کجا بود؟ چقدر تولید آن طول کشید؟**

احمدعلی راغب از آهنگسازان پیشکسوت موسیقی انقلاب و دفاع مقدس در روایت بخشی از خاطرات خود ضمن اشاره به حضور ارکسترها در ضبط آثار موسیقایی از نحوه ساخت اولین سرود مرتبط با دفاع مقدس گفته است.

به گزارش مهر کتاب «بانگ آزادی» مشتمل بر خاطرات شفاهی احمدعلی راغب از آهنگسازان و پیشکسوتان موسیقی انقلاب یکی از مهم‌ترین آثار منکتاب مرتبط با تاریخ تولید سرودها و ترانه‌های انقلابی است که در سال ۱۳۹۸ با تحقیق مهدی چیت ساز و مرضی قاضی و تدوین محسن ضایبی فرد توسط دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی پیش روی مخاطبان قرار گرفت.

این کتاب به واسطه گفتگوهای مسبوظی که محققان و تدوین‌کنندگان اثر با مرحوم احمدعلی راغب داشته‌اند، یکی از مهم‌ترین مراجع مورد وثوق مرتبط با تاریخ شفاهی موسیقی انقلاب اسلامی است که می‌تواند دربرگیرنده شناخت ابعاد جدیدی از فرهنگ و هنر مردمی انقلاب باشد. چارچوبی که در آن توجه به این قسمت از فعالیت‌های فرهنگی هنری هنرمندان و مردم در جریان انقلاب اسلامی به شدت مهم و ضروری است و می‌تواند روایت یکی از مسیرهای رو به پیشرفت فعالیت‌های فرهنگی در کشورمان را پیش روی مدیران و سیاستگذاران این عرصه قرار دهد.
فرایندی هدفمند با حضور تمام آثارشار جامعه که در آن دوران نهایت تلاش خود را به واسطه همدلی و همراهی که داشتند برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی انجام دادند و شرایطی را فراهم آوردند تا به واسطه ابزار فرهنگ و هنر، فرهنگ انقلابی را در سمت پیروزی رهنمون سازند. فضایی که قطعاً قسمت مهمی از تاریخ انقلاب اسلامی را رقم زد اما بسیاری از مردم با آن آشنا نیستند و در این مسیر چه بهتر که مجموعه‌های فرهنگی و هنری فعال در این عرصه بتوانند از دریچه فرهنگ و هنر به این‌انکس آنچه در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پس از آن صورت گرفت، بپردازند.

فرا رسیدن هفته دفاع مقدس پهنای شدد تا بار دیگر با انعکاس دوباره فراهایی از این کتاب به باقرآینق خاطرات یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین هنرمندان جریان انقلاب بپردازیم که به واسطه موسیقی کارهای مهمی را در این عرصه انجام داده است. البته آنچه در پروژه «خاطره‌بازی با اهالی موسیقی انقلاب» صورت می‌گیرد، فقط محدود به انعکاس فراهایی کتاب «بانگ آزادی» نمی‌شود و گروه هنر خیر‌گزاری مهر در آینده گزارش‌ها، گفتگوها و نوشته‌های رسانه‌ای دیگری از فعالان عرصه انقلاب اسلامی را پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد.

قصه ساخت یکی از اولین موسیقی‌های جنگ

در سیزدهمین شماره از این سلسله گزارش به انعکاس خاطرات مرحوم احمدعلی راغب آهنگساز و نوازنده موسیقی از روزهای منتهی به آغاز جنگ تحمیلی و نحوه ساخت و تولید سرودها و آهنگ‌های انقلابی مرتبط با این روزهای پرتلاطم برداشتم که در بخشی از کتاب «بانگ آزادی» مورد توجه محققان و پژوهشگران مرتبط با تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس قرار گرفته است.

زنده یاد راغب در این بخش از روایت خاطرات شفاهی خود که با عنوان «اولین سرود» پیش روی مخاطبان قرار گرفته است، نحوه تولید آثار موسیقایی مرتبط با

روزهای آغازین جنگ را این چنین روایت می‌کند:

اواسط مهر بود که شروع به ساخت سرودهایمان کردیم. اولین شعری که آقای سبزواری برای کار به من دادند منجر به تولید سرود «هنگ دریاها» برای نیروی دریایی شد. رسانه‌های ما روی نیروی دریایی خیلی مانور می‌دادند. گفته می‌شد نیروی دریایی از قوت لازم برخوردار است اما باید تجهیزش کنیم. ما وظیفه داشتیم روحه شان را با کارهای موسیقایی و هنری ارتقا بدیم چون آنها باید از سرحدات دریایی و جاهای نفت ایران محافظت می‌کردند. خلاصه اولین آهنگی که در جنگ ساختم، برای نیروی دریایی بود. از قضا زمانی که شروع به ساخت این آهنگ کردم، با غرق شدن ناوچه پیکان مصادف شد. این شعر هم خیلی محزون بود و هم خیلی کوبنده بود. ۲ جای شعر هم از کلمه «پیکان» استفاده شده بود. پیکان هم اسم آن ناوچه بود و هم لقب پیکان یا ایهام به کار رفته بود. به تعبیری در آن شعر گفته شده بود که ما با پیکان زهرآگین خود سینه شما را نشانه گرفته ایم.

این شعر بحر عروضی خاصی داشت. نمی‌دانم آقای سبزواری از کجا این ایده‌ها را پیدا می‌کرد. این نیوع در ایشان بود و می‌دانست باید با هر کس با چه زبانی حرف زد. این شعر در هیچ کدام از بحور عروضی که قبلاً کار کرده بودم، نمی‌نشت.

مانده بودم برای آن چه ریتمی به کار بگیرم.

تصور کنید مثلاً برای کلمات «ای به لَجه خلیج» که وزنش در موسیقی چیزی مثل «دام / ایام / ایام / ایام» است، اصلاً بحر عروضی وجود ندارد. هر چه که

می‌کردیم. بر همین اساس گروه تولید محل فیلمبرداری را هر روز وقتی کارمان تمام می‌شد روی زمین را با نایلون‌های وسیع و گسترده می‌پوشاندند که اگر باران ببارد این نایلون‌ها نگذاردند زمین گل شود و این کار به نظر من ابتکار جالبی بود.

*** تجربه کار با آقای حجازی فر چطور بود؟**

تجربه کار بسا آقای حجازی فسر تجربه خیلی شیرین خاطره‌انگیزی بود البته همانطور که من قبلاً هم گفتم آقای حجازی فر از دوستان خوب و صمیمی است که ما قبلا هم در تئاتر و هم در تلویزیون همکاری داشتیم به همین دلیل با هم آشنا بودیم و می‌دانستیم که دیدگاه‌هایمان چیست. البته به نظر من ایشان کارگردان بسیار خلاق و حساس روی جزئیات است. ریزه کاری‌های یک فیلم سینمایی را می‌شناسد. او در هنگام کار با بازیگرها ارتباط خیلی خوبی دارد و تمام این‌ها کمک می‌کرد که رابطه من با او یک رابطه خوب و سازنده‌ای باشد و همکاری با ایشان در این پروژه برای من نیز مایه خوشبختی و خوشحالی است چون خوشحال هستم که در این پروژه با آقای حجازی فر همکاری کردم و شخصا معتقد هستم که این پروژه یک پروژه ماندگار و ادای دینی موفق و آبرومند به رشادتهای رزمندگان لشکر ۳۱ عاشورا است.

*** در حال حاضر مشغول به کاری هستید؟**

در حال حاضر مشغول پروژه خاصی نیستم ولی هم‌زمان با پخش سریال عاشورا سریال دیگری از من با عنوان مگه تمام عمر چند تا پیه‌ها، به کارگردانی سروش صحت از پلنترم های فیلمو و نماوا در حال پخش است.

*** نکته‌ای هست که بخواهید بگویید؟**

نکته‌ای که لازم می‌دانم گفته شود این است که سریال عاشورا فارغ از اینکه خود من یکی از بازیگران آن هستم، یک اثر نمایشی خیلی موفق و با کیفیت و ماندگار است. البته متأسفانه تلویزیون در حال حاضر تا حدودی مخاطبان خاص خودش را از دست داده و میزبان بینندگان تلویزیون نسبت به سالهای قبل کاهش پیدا کرده است. طبعاً در رابطه با این سریال نیز موجب ناراحتی است و ضرورتاً لازم است تلویزیون می‌توانست با پخش این سریال بینندگان بیشتری را جلب این سریال می‌کرد.

شما وزن مفتعل و فعول و اوزان این چنینی را در نظر بگیرید، در هیچ بحر عروضی قرار نمی‌گیرد؛ چون بحر عروضی باید ریتم موسیقی را تشکیل بدهد. این شعر بحر عروضی سالمی ندارد، ولی همین طوری با همین ریتم قشنگ و بسیار کوبنده است.

در نعمات خانقاهی کردی، از این قبیل ریتم‌ها وجود دارد و آنها به زبان خودشان روی این ریتم‌ها آواز می‌خوانند. اما در فارسی طور دیگری است و کلمات به شکل دیگری کش و قوس پیدا می‌کنند. گویی کسی به من دیکته می‌کرد که آن ملودی باید این طور روی کلمات قرار بگیرد. کلمه هر میزان، باید در همان میزان تمام می‌شدند و به کلمات میزان‌های ریط پیدا نمی‌کردند و می‌بایست جدا از هم می‌بودند. هر کلمه باید معنای خودش را خیلی صریح انتقال می‌داد. پیش از آن خیلی در ادبیات فارسی تعمق و تفکر کرده بودم که چه نسبی از موسیقی با ادبیات جنگی تطابق دارد. اما هیچ وقت به پاسخ نرسیده بودم اما شعر آقای

سبزواری مرا به جواب رساند.

وقتی اولین اثر را آماده کردم، با آن دوستی که مسئول هماهنگی موسیقی بود، تماس گرفتم و گفتم فردا ساعت ۲ بعداز ظهر به اعضای ارکستر سازهای ملی بگویند، بیایند. لازم است آقای مجتبی میرزاده حتماً باشند. آهنگی را آماده کردیم ام و دارم برای ضبط می‌آورم. در آن مقطع فضا فطوری بود که وقتی از ما چند نفر، کسی اثری را برای ضبط می‌آورد، می‌گفتند مشکلی نیست. بروید ضبط کنید. روند متداول این بود که بعد از ضبط باید کمیته شعورا سرودمان را بررسی می‌کرد که کلمات درست خوانده شده باشند و ملودی در شان شعر باشد، اما در آن ایام گویی ما چند نفر کارت سفید داشتیم.

وقتی اثر را اجرا کردیم، دیدم همه می‌گویند این ارکستر برای ریتم و ملودی این سرود مناسب نیست. این سرود گویی تار و تنبوری به هم وصله شده است. من ناراحت بودم، هر چه «کسان» (نکته روی صدا – تاکید روی برخی اصوات – ضربات و آکوردها) و «قطعه استکاتو» (نقطه استکاتو که بر زیر یا روی نت موسیقی قرار می‌گیرد، مفهوم اجرای یک نیمه از نت و سکوت دیگر را می‌رساند. در این حالت نت‌ها مقطع و کوبنده به گوش می‌رسد.) می‌گذاشتم و هر کاری می‌کردم که سرود به صورت مقطع و کوتاه اجرا شود، باز هم وصله ای از آب در می‌آمد. بنابراین با دوستان صحبت کردم و از آنها نظر خواستم گفتند این سرود باید در ارکستر مجلسی ضبط می‌کرد، اما در دفاع مقدس، او با ۲

*** نمایش عکس‌های یک زوج از دفاع مقدس**

نمایشگاه «یاد یاران» با ۳۷ اثر از عکاسان انقلاب و دفاع مقدس در گالری ملک‌الشعرای بهار باغ موزه قصر، نمایشگاه عکس «عطش شهادت» در فرهنگسرای ارسباران، «یک حماسه یک ملت» و نمایشگاه بوسترهای دفاع مقدس در فرهنگسرای نیاوران برگزار خواهد شد.

نمایشگاهی به همت انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس بنیادفرهنگی روایت فتح و با عنوان یاد یاران متشکل از ۳۷ اثر عکاسان انقلاب و دفاع مقدس از امروز تا پایان هفته دفاع مقدس در گالری ملک الشعرای بهار باغ موزه قصر در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت. همچنین همزمان با هفته دفاع مقدس نمایشگاه عکس «عطش شهادت» به همت این انجمن از جمعه ۳۱ شهریورماه در فرهنگسرای ارسباران بر پا شده است. در این نمایشگاه عکس‌هایی از شهید منصور عطشانی و همسرش رضیه غبیشی از اعضای این انجمن به نمایش درآمده است؛ زوج عکاسی که آغاز زندگی مشترکشان با آغاز جنگ مصادف شد و با وجود همه خطرات، آبادان و جزیره مینو را ترک نکردند و زندگی مشترکشان را در خط مقدم آغاز کردند.

نمایشگاه دیگری نیز با عنوان یک حماسه یک ملت متشکل از ۳۰ اثر از محمد حسین حدیدی، عکاس انقلاب و دفاع مقدس از روز دوشنبه سوم مهر لغایت ۱۰ مهر ۱۴۰۲ به همت انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس بنیادفرهنگی روایت فتح و با مشارکت فرهنگسرای نیاوران و بنیاد حفظ آثارو ارزشهای دفاع مقدس برپا خواهد شد. بر اساس آنچه که بنیاد فرهنگی روایت فتح اعلام کرده است همزمان با افتتاحیه این نمایشگاه نشست خبری با حضور خانم مینو خانی پژوهشگر حوزه دفاع مقدس، محسن سلیمانی مدرس دانشگاه و گرافیست و محمد حسین حدیدی مدیر این انجمن با موضوع بررسی نقش عکاسان در دفاع مقدس برگزار خواهد شدد. در همین راستا به همت انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس بنیادفرهنگی روایت فتح نیز با همکاری فرهنگسرای نیاوران و بنیاد حفظ آثارو ارزشهای دفاع مقدس، نمایشگاه بوسترهای دفاع مقدس از روز دوشنبه تا پایان هفته در فرهنگسرای نیاوران برگزار خواهد شد.

فرهنگ و هنر

دریچه

مقاومتی که رویای فتح یک روزه خرمشهر را تبدیل به کابوس صدام کرد

بیان رشادتهای رزمندگان در دفاع مقدس یکی از موضوعات بسیار مهمی است که بر اهمیت آن بارها تاکید شده است. اهمیت این موضوع از این جهت است که کمک می‌کند تا نسل جوان با فداکاری‌های رزمندگان در دفاع مقدس آشنا شده و آنها را بدانند. از سبویی دیگر روایتگری صحیح از همه اتفاقات مهم در دفاع مقدس راه دشمنان برای تحریف دفاع مقدس را از بین می‌برد.

رهبر معظ انقلاب در این زمینه نکات قابل تأملی را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند:

«البته سعی دشمن این است که در همین مسئله روایت، نقطه مقابل حقیقت عمل بکند. دشمن، فرازها و اوج‌ها را انکار می‌کند؛ اگر یک مورد حضیضی وجود داشته، آن را بزرگ می‌کند؛ بدون شک این کار دشمن است. آنها کار فرهنگی را، کار تبلیغی را، کار رسانه‌ای را با شدت و جدت دارند انجام می‌دهند؛ آنها سعی می‌کنند با تبلیغات، با فعالیت‌های رسانه‌ای، هیبت و شوکت استیکار را به رخ جوان‌ها بکشند؛ زرق و برق آنها را در چشم اینها جلوه بدهند؛ تلخی‌ها و تاریکی آنها را پنهان کنند و در نقطه مقابل، اوج و اهمیت و فیض ناشی از دفاع مقدس و مسائل حول و حوش آن را پنهان کنند. می‌خواهند مردم را بترسانند از آنها.

در دفاع مقدس، صدام با ۲ لشکر پشت دروازه‌های خرمشهر می‌ماند و ۲ هزار مدافع که همگی از مردم معمولی هستند، مقاومت می‌کنند. در حقیقت ۲

هزار نفر در برابر ۲۰ هزار نفر ایستادگی می‌کنند! جعفر خدایی از رزمندگان و روایان هشت سال دفاع مقدس در زمینه تلاش دشمن برای تحریف واقفیت‌های دفاع مقدس می‌گوید: همه بچه‌های دفاع مقدس و جنگ حداقل یکبار مرگ را خورده‌اند. آنهایی که زنده ماندند و هنوز هستند، تلاش می‌کنند با بیان خاطرات دفاع مقدس کاری کنند که انحراف و تحریفی به وجود نیاید. استیکار جهانی دست به دست هم داده تا دفاع مقدس را به ناسخیه برسد. برای این کار، اتاق فکراهی را برای نسل جوان ما تشکیل کرده و از تکنیک‌های جنگ روانی استفاده می‌کند. فضای مجازی نیز آنها را در این زمینه یاری می‌کند.

رزمندگان دفاع مقدس هنوز زنده‌اند و در بین مردم حضور دارند. بنابراین باید سراغشان رفت تا آن چیزی که وجود داشته را از زبان خودشان شنید؛ اشتباه است اگر بخواهیم اتفاقات دفاع مقدس را از رسانه‌های معاند و فضای مجازی بشنویم، چرا که روایت‌های آنها مخدوش است.

سرهنگ حسین استبیری رزمنده نیروی زمینی ارتش نیز در این باره می‌گوید: خوب است که در این زمینه به یک فرمایش حضرت آقا اشاره بکنم؛ ایشان مخصوص جنگ می‌فرمایند: «جنگ، یک نوع گنج است». همانطور که می‌دانید گنج تمام نشدنی است. با اینکه در حوزه جنگ کتاب‌های زیادی نوشته‌ایم و فیلم‌های زیادی ساخته شده است، اما باز هم کم است، چرا که ممکن است شهادتی را در این خصوص برای بچه‌های ما ایجاد بکنند. ما باید به این شهادت پاسخ بدهیم.

هسته ما می‌دانیم که جنگ خوب نیست، اما ممکن است در جایی جنگ دیوس داستنی شود؟ بله ممکن است. اگر ببینید که یک کشور خارجی به شما حمله کرده است، علاوه بر اینکه نیروهای مسلح به میدان رزم می‌روند، مردم نیز وارد میدان می‌شوند. در جنگ ما نیز این اتفاق رخ داد. دقت داشته باشید که وقتی دشمن به کشور شما حمله می‌کند برای کشتن افراد، هنک نوامیس و از بین بردن زیرساخت‌ها می‌آید. در اینجا چه باید کرد؟ دفاع، تنها راه حل است. فراموش نکنید که در جنگ ۸ ساله، ایران آغازکننده جنگ نبود و رژیم بعث با عقبه ۳۵ کشور غربی و شرقی به ما حمله کرد. او ضراحتاً اعلام کرد که می‌خواهد یک روزه خرمشهر، سه روزه خوزستان و یک هفته‌ای تهران را بگیرد. باید از جوانان این سنوال را ببرسم که آیا صدام با عقبه قوی که از اختیار داشت می‌توانست یک هفته‌ای پایتخت ایران را بگیرد؟ به نظر من او با این تدارکات و پشتیبانی گسترده‌ای که در اختیار داشت به هر کشوری حمله می‌کرد، پایتخت آن یک هفته سقوط می‌کرد، اما در دفاع مقدس، او با ۲ لشکر پشت دروازه‌های خرمشهر می‌ماند و ۲ هزار مدافع که همگی از مردم معمولی هستند، مقاومت می‌کنند. در حقیقت ۲ هزار نفر در برابر ۲۰ هزار نفر ایستادگی می‌کنند که اگر بخواهم نام ببرم باید به ۷۰۰ تکاور نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به فرماندهی ناخدا صدی اشاره کنم که ۱۰۰ نفر از آنان شهید می‌شوند. همچنین یک گردان دژ از لشکر ۹۲ زرهی اهواز، شهید می‌شوند.

شهید نامجو به صورت داوطلبانه با گردانی از دانشجویان خود به سمت خرمشهر می‌آید که تعدادی از آنها شهید می‌شوند. همچنین باید از شهید بزرگوار، محمد جهان آرا یاد کنم. او با اینکه نظامی نیست، اما ۶۰-۷۰ نفر از جوانان خرمشهری را گردهم آورده و در قالب یک سپاه در برابر دشمن مقاومت می‌کنند. همه اینها دست به دست هم دادند تا دشمنی که قول داده بود یک روزه خرمشهر را می‌گیرد، به مدت ۳۴ روز در مقابل دروازه‌های شهر نگه می‌دارد.

اشاره کردم که جنگ چیز خوبی نیست اما بعضی وقت‌ها "دوست‌داشتنی" می‌شود. یک برنامه تلویزیونی به همین نام با اجرای اصغر نقی‌زاده را به یاد دارم که از شبکه نسیم پخش می‌شد. آن برنامه مجموعه خاطراتی شبیه به همین مواردی را بیان می‌کرد که در سخنانش عرض کردم. ما برای جوانان خود جنگ را به درستی تبیین کنیم. اگر مقام معظم رهبری از جهاد تبیین سخن می‌گویند، منظورشان همه ابعاد و جنبه‌هاست که بخشی از آن مربوط به جنگ است. ▲ **تسنیم**